

شرق

نیروهای کادر درمان با حضوردر معدن زمستان‌یورث استان گلستان از معدنچکان تست کرونا گرفتند. / عکس: علی‌اصغر قزل‌سفلو، ایرنا



نیروهای کادر درمان با حضوردر معدن زمستان‌یورث استان گلستان از معدنچکان تست کرونا گرفتند. / عکس: علی‌اصغر قزل‌سفلو، ایرنا

گزارش

سیل، شناسنامه، فقر

گفت‌وگو با اعضای شورای تأمین وجود ندارد. بسیاری، تصویری از ایرانیان فاقد شناسنامه ندارند و اساسا درکی از مفهوم این عبارت ندارند. ایرانیان فاقد شناسنامه در چند دسته تعریف می‌شوند؛ اول روستائیان، عشایر کوچنده و دامدارانی که در مناطق دوردست روستایی زندگی می‌کرده و اغلب در شهر آمد و شدی نداشته و تصویری از اهمیت و لزوم داشتن شناسنامه نداشته‌اند. برخی حتی از ترس به اجباری (خدمت سربازی) رفتن فرزندان فاقد شناسخ دوباره خانه‌ها بود؛ باغات بوده‌اند، از گرفتن شناسنامه خودداری کرده‌اند. دسته دوم ایرانیانی هستند که پدران آنها مهاجران اهل افغانستان در سال‌های بسیار دور از ۷۰، ۸۰ سال قبل بوده‌اند. ایرانیاتی که چند نسل قبل‌تر در اینجا متولد شده‌اند. ازدواج کرده و فرزندآوری کرده‌اند. کسب‌وکار و زندگی دارند و همین‌جا مرده و به خاک سپرده شده‌اند و نسل به نسل شناسنامه نداشته‌اند. دسته سوم شامل زنانی است که با مردان خارجی ازدواج کرده و فرزندان حاصل از این‌ ازدواج‌ها نیز



طرح

پوسپن

صلاح

چاینگر

فاقد شناسنامه هستند. در پی تلاش بی‌وقفه کنگشگران اجتماعی در این سال‌ها و پس از تصویب قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی در مهرماه ۱۳۹۸، درحال‌حاضر تنها دسته سوم هستند که در تغییرات ایجادشده و رفع برخی موانع قانونی، امکان دریافت شناسنامه پیدا کرده‌اند و روزبه‌روز در حال افزایش هستند. خانواده‌هایی پر اولاد و دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده و بلافاصله صاحب چندین بچه می‌شوند. و همین است که در بسیاری از استان‌ها و به‌ویژه استان سیستان‌وبلوچستان، ایرانیان فاقد شناسنامه به‌گونه‌ای تصاعدی رو به افزایش هستند؛ کودکان و بزرگسالانی که از دریافت کوچک‌ترین خدمات بی‌بهراند. به آنها یارانه پرداخت نمی‌شود. هیچ‌گونه خدمات بانکی دریافت نمی‌کنند. امکان دادوستد رسمی ندارند. بچه‌های‌شان در هیچ مدرسه‌ای به‌طور رسمی پذیرفته نمی‌شوند

و اساسا جایی در جامعه آماری کشور ندارند و نیز هیچ مقامی به آنان پاسخ‌گو نیست. حتی به نظر می‌رسد پرورنده‌های تشکیل‌شده نیز شکلی صوری

داشته و قراری برای پاسخ‌گویی و حل این مشکل کهنه و قدیمی وجود ندارد. صدها پرورنده تشکیل‌شده در تمام استان سیستان‌وبلوچستان، بخش‌هایی از جنوب و شرق کرمان، هرمزگان و خراسان نشان‌دهنده پراکندگی معادار، جامعه ایرانیان فاقد شناسنامه‌ای است که هیچ آیینده‌ای در انتظار آنها نیست. آنها برای اثبات ایرانی بودن خود ده‌ها شاهد می‌آورند. گاه حتی برادرانی شاهد مثلا خواهر خود برای دریافت شناسنامه می‌شوند. انبوهی از افراد که جا و نشانه‌ای از آنها در جامعه آماری و رسمی کشور وجود ندارد، نه تولدشان اهمیتی دارد و نه مرگشان. آنها کسب‌وکاری جز بدبختی و تباهی ندارند؛ چون هیچ‌جا به حساب نیامده و هیچ‌جا دیده نشده‌اند و این معنایی ندارد جز خلاجدی قوانین و سکوت قانون در برابر فرقه‌هایی که قانون‌گذار موظف به توضیح و ترمیم آن است و مهم‌تر از همه ضعف در اجرای همین قوانین موجود نیز کاملا قابل مشاهده است. حال سؤال این است که آیا اساسا اراده‌ای برای اعطای شناسنامه به ایرانیان فاقد شناسنامه وجود دارد؟ سنی‌بودن غالب افراد ایرانیان فاقد شناسنامه در این میان چه معنا و نقشی دارد؟ آیا وجود پرورنده‌های بسیار قدیمی، نشانه‌ای از نبود میل و اراده برای شناسنامه‌دارکردن این گروه از ایرانیان نیست؟ چرا به پرورنده‌هایی که تمام موارد خواسته‌شده از جمله معرفی شاهد و آزمایش بسیار گران زنتیک را انجام داده‌اند، پاسخ مثبت و مساعد داده نشده؟ آیا ایرانیانی که بالغ بر ۶۰ سال از حضورشان در ایران می‌گذرد، هنوز امکان قانونی برای دریافت شناسنامه برای خود و فرزندان و نوه‌ها و نتیجه‌های ایرانی خود ندارند؟ تا چه زمانی قرار است این جمعیت عظیم و رو به افزایش، بلاتکلیف و بدون هویت به زندگی خود ادامه دهد؟ آیا می‌دانید آنها به دلیل نداشتن مدارک هویتی در هر بار دستگیری از استان‌ها و به‌ویژه استان سیستان‌وبلوچستان، ایرانیان فاقد شناسنامه به‌گونه‌ای تصاعدی رو به افزایش هستند؛ کودکان و بزرگسالانی که از دریافت کوچک‌ترین خدمات بی‌بهراند. به آنها یارانه پرداخت نمی‌شود. هیچ‌گونه خدمات بانکی دریافت نمی‌کنند. امکان دادوستد رسمی ندارند. بچه‌های‌شان در هیچ مدرسه‌ای به‌طور رسمی پذیرفته نمی‌شوند

زمین سبز

تیر خلاص بر پیشانی محیط زیست ایران

قانون به‌کارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح که طبق قانون حمایت بیمه‌ای مشمول محیط‌بانان هم می‌شود، شامل موارد زیر است؛ نخست، دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله کند. دوم، برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولسی اوضاع‌واحوال طوری باشد که بدون به‌کارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان‌پذیر نباشد. سوم، درصورتی‌که مأموران مذکور مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است. در این سه بند محیط‌بانان به‌عنوان ضابط قضائی می‌توانند از سلاح خود استفاده کنند. برای کاهش بزه و جرم در یک بستر اجتماعی باید موضوع را در بسترهای کفیری و مکاتب اجتماعی حاکم بر جرم‌شناسی بررسی کرد. ما باید بررسی کنیم کدام‌یک از مکاتب اجتماعی می‌تواند منجر به کاهش جرم شود و این مسئله‌های البته

گسترده است که تنها در یک یادداشت کوتاه روزنامه‌ای قابل تبیین نیست. اما به نظر می‌رسد ما برای اینکه دیگر شاهد چنین حوادثی نباشیم، همان‌طورکه قانون تصویب کرده باید پرورنده شخصیتی برای این قاتلان تشکیل دهیم تا ببینیم چه عاملی باعث شده اینها با این روش وحشیانه دست به ارتکاب جرم بزنند. این نوع قساوت باید از سوی مکاتب اجتماعی حاکم بر نظام‌های کفیری بررسی شود تا بدانیم که چگونه این جرائم را کاهش دهیم. اما حداقل برای کاهش چنین جرم‌هایی ما باید اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی عمومی در این زمینه انجام دهیم. اینکه یک شکارچی از یک سلاح جنگی استفاده می‌کند، آیا می‌داند تا چه میزان جرم سنگینی مرتکب شده است؟ به نظر می‌رسد آگاهی‌رسانی درباره چنین جرائمی شاید موجب شود تکرار چنین جرم‌هایی کاهش یابد. مسئله مهم دیگر حمایت سازمان حفاظت محیط زیست از محیط‌بانان و کارکنان محیط زیست است. همه می‌دانیم که محیط‌بانان در ایران با این وسعت منابع طبیعی از کمبود نیرو و امکانات رنج می‌برند. در این میان نداشتن برخی تجهیزات هم موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری می‌شود. برای نمونه جلیقه‌های ضدگلوله محیط‌بانان چندان مناسب شرایط کاری آنها نیست و به دلیل سنگینی مثلا در مناطق گرمسیری قابل استفاده نیست یا اینکه در فعالیت‌های تعقیب‌وگریز دست‌وپای محیط‌بانان را می‌بندد. کما اینکه این دو محیط‌بان زنجانی هم جلیقه نداشتند.

چهره هفته

محمد یوسفی با این اظهار نظر جنجالی چهره هفته («شرق») شد

آیا مردم «ایستادن در صف» را دوست دارند؟

بود: «مردم از صف مرغ خوششان می‌آید. دوست دارند علت صف را بدانند و از این‌رو به صف می‌پیوندند. همین موضوع باعث شد که صف مرغ تشکیل شود. هرچند در ایام تعطیل، تقاضا برای خرید مرغ بیشتر می‌شود و اکنون یخچال‌ها پر از مرغ است». آقای یوسفی با این اظهارنظر در رقابت با رضا شیوا، رئیس شورای رقابت خودرو که گفته بود «خودرو گران است، نخرید»، با کسب ۶۶ درصد آرای خوانندگان «شرق» به‌عنوان چهره هفته انتخاب شد. هزارو ۱۵۱ نفر در این نظرسنجی شرکت کرده بودند. نظرسنجی برای انتخاب چهره هفته، پنجشنبه هر هفته در اینستاگرام «شرق» برگزار می‌شود.

فراخوان

تهران پروژه «طراحی و تدوین نشان برتر شهر تهران» را در دستور کار قرار داده و در تلاش است با مشارکت حداکثری نخبگان، صاحب‌نظران و نهادهای مسئول، این امر مهم را به نحو مطلوب به سرانجام رساند. در این زمینه، با توجه به پایان فاز مطالعاتی طرح و تعیین راهبردهای کلان برند (ویژند) شهری، از هنرمندان، مجموعه‌های خلاق طراحی و تبلیغاتی و کلیه علاقه‌مندان، دعوت می‌نماید تا در خلق هویت بصری ویژند شهر، مطابق با دستاوردهای فاز پژوهشی طرح، مشارکت نمایند. برای کسب اطلاعات بیشتر و آشنایی با نتایج پژوهشی و دستورالعمل فراخوان به سایت مرکز ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری تهران به آدرس <https://ccia.tehran.ir/> و برکه پروژه نشان برتر شهر تهران مراجعه کنید.

رسانه

روزهای سیاه «گرونا» و حق دسترسی آزاد به «اطلاعات»



پژمان موسوی

● کرونا دوباره جان گرفته، سهمکین‌تر از یک سال و اندی گذشته. شهرها یکی‌یکی قرمز شده‌اند و در عرض چند روز، آمار مبتلایان و فوتی‌های بیماری، از دو برابر هم فراتر رفته است. در این روزها که هر ساعتش، هم برای مردم و هم برای کادر درمان سخت می‌گذرد، همه یک پرسش واحد دارند: چه شد که این‌گونه شد؟ چگونه ناگهان کرونا رشدی تصاعدی کرد و این همه خانواده دیگر را داغدار و عزادار کرد؟ طبیعتا در این شرایط، انتظار افکار عمومی از روزنامه‌نگاران و خبرنگاران، پیداکردن پاسخی صریح به این پرسش اساسی است؛ اما تقریبا هیچ رسانه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که پاسخ این پرسش را به‌روشنی و دقت بدهد؛ می‌دانید چرا؟ به یک علت ساده: مقامات و تصمیم‌گیران وزارت بهداشت و ستاد ملی کرونا، به‌عنوان منبع اصلی پاسخ به این پرسش، برخلاف تمامی استانداردهای غربی، اخلاقی و حرفه‌ای، تمام یا بخشی از حقیقت را پنهان می‌کنند. واضح‌ترین اظهارنظر در این پنهان‌کاری را ایرج حریچی، معاون کل وزارت بهداشت بیان کرد؛ او در پاسخ به پرسشی با این مضمون که «چرا تعطیلات نوروز هیچ محدودیتی اعمال نشد تا ما شاهد افزایش فزاینده آمار فوتی‌ها و مبتلایان کرونا نباشیم»، به صراحت گفت: «ستاد

ملی کرونا مانع استفاده از فرصت طلایی عید برای خاموش‌کردن شعله‌های کرونا شد». وقتی خبرنگار-مجری در ادامه این گفت‌وگو از او خواست مشخصا بگوید چه کسی؟ از این موضوع ظفره رفت و در کمال تعجب گفت: «نمی‌توانم اسامی این افسران را بگویم». خودداری مرد شماره دو، وزارت بهداشت از ارائه اطلاعات در این خصوص، نهتنها صراحتا محل مبانی اصل شفافیت و تمامی تبصه‌های مرتبط با آن است، بلکه مغایر حق روزنامه‌نگاران برای دسترسی آزادانه به اطلاعات هم هست. فصل سوم «آیین‌نامه کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری»، «روزنامه‌نگار را دارای حقوق گسترده و مسئولیت‌های حرفه‌ای مشخص معرفی می‌کند و در بین این‌ حقوق، مهم‌ترین حق روزنامه‌نگار در این آیین‌نامه «حق جست‌وجو، بررسی و دسترسی آزاد به اطلاعات و اخبار و انتشار آن» دانسته

شده است. از دست‌دادن فرصت طلایی تعطیلات نوروز برای خاموش‌کردن شعله‌های کرونا از یک سو و فراهم‌کردن زمینه برای افزایش تصاعدی آمار مبتلایان و فوتی‌ها از سوی دیگر، نه‌تنها هزینه‌های مادی و معنوی زیادی را برای کشور فراهم آورد، بلکه مهم‌تر از آن عزیزان زیادی را هم از خانواده‌هایشان گرفت و بسیاری را راهی تخت بیمارستان کرد. طبیعی است در موضوعی با این اهمیت و در د این سطح گسترده و همه‌گیر، افکار عمومی از مطبوعات انتظاری جز روشن‌شدن ریشه‌های این موضوع ندارد و روزنامه‌نگاران هنگامی در جلب توجه مردم به «روایت اصلی» موفق خواهند شد که بتوانند با ارائه اطلاعات بیشتر درباره زمین و پیشینه و تحلیل کارشناسان آن، به خوانندگان کمک کنند تا به‌جای غافلگیرشدن، با آن برخورد آگاهانه و فعال داشته باشند؛ اما وقتی مقامات مسؤل به‌راحتی از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند و واقعیات را با خبرنگاران و روزنامه‌نگاران در میان نمی‌گذارند، طبیعی است که رسانه‌ها هم نمی‌توانند مخاطبانشان را از «اصل موضوع» باخبر کنند. این موضوع هم چیزی نیست که روزنامه‌نگاران حرفه‌ای که همواره «دقت» را مهم‌تر از هر عامل دیگری می‌دانند، بتوانند با حدس و گمان و منابع دست دوم سراغ آن بروند و مجبورند نهایت تلاش خود را برای انتشار حقیقت از زبان مسئولان مرتبط و مطلعان آگاه داشته باشند؛ اما اگر آنها آگاهانه تلاش برای سرپوش‌گذاشتن بر حقیقت داشته باشند، نهایتا کاری که می‌توان کرد، اعلام صریح این رفتار غیرمسئولانه به مردم و تلاش برای تغییر آن است. امروز همه باید امیدوار بود و هم تلاش کرد که مدیران مسؤل وزارت بهداشت و ستاد ملی کرونا، نص صریح اصل شفافیت و تمامی قوانینی را که آنها را مجبور به انتشار اطلاعات می‌کند، رعایت کرده و مقصران این روزهای سیاه را به مردم معرفی کنند. تنها در این صورت است که شاید زخم‌ها اندکی التیام یابد...



سینماعیاز: محمدرضا تقوی فرد، استاد دانشگاه و مجری سابق تلویزیون که سابقه مدیرمسئولی و سردبیری روزنامه‌های عصر رسانه، راه مردم، بامداد و خورشید را در کارنامه خود دارد، به‌عنوان رئیس شورای نویسندگان ماهنامه فیلم کار خود را شروع کرد. او که به‌عنوان یکی از یاران احمدی‌نژاد شناخته می‌شود، در رادیو گفته است: «تعداد منتقدان فیلم را طی دو سال چندبرابر می‌کنیم».



خبرگزاری فرانسه: یک مرد جوان که برای خرید آب از خانه خود در فلیپین خارج شده بود پس از آنکه به دلیل نقض مقررات قرنطینه کرونا، مجبور شده بود صدها بار حرکت بشین‌وپاشو را انجام دهد، درگذشت. مأموران به این افراد می‌گفتند که باید صد بار این حرکت را انجام دهند اما هربار که حرکت آنها ناهماهنگ می‌شد، شمارش را از نو آغاز می‌کردند.



یورو نیوز: کارلوس مایورگا، نامزد انتخابات پارلمان مکزیک، برای جلب توجه رای‌دهندگان به موضوع شمار بالای قربانیان ویروس کرونا همچنین قربانیان خشونت ناشی از جرائم سازمان‌یافته در این کشور، از یک تابوت استفاده کرد. او از منتقدان بی‌عملی سیاست‌مداران در مقابل کارت‌های مواد مخدر مکزیک است. تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در پی خشونت‌های داخلی کشته شده‌اند.



فرارو: دوشس کورنوال، همسر پرنس چارلز، به مسجد وایتمن در منطقه هرینگی در شمال لندن رفت؛ درحالی‌که با روسری موهای خود را پوشانده و ماسک به چهره داشت. کامیلا با حضور در مسجد با کودکان و داوطلبانی که در جمع‌آوری مواد غذایی برای افراد نیازمند فعالیت می‌کنند، دیدار و گفت‌وگو کرد. این مسجد را گروه کوچکی از مسلمانان گویان تأسیس کرده‌اند.



ایسنا: مارگارت آپوت دختر کلفباز آمریکایی است که در المپیک ۱۹۰۰ پاریس شرکت کرد و اول شد. این دوره از بازی‌ها اولین ورود زنان به المپیک بود و هنوز مدال نمی‌دادند، او در سال ۱۹۵۵ درگذشت بدون آنکه بداند قهرمان المپیک بوده و سال‌های بعد پاننولا ولش، مدیر هیئت تحقیق‌کننده متوجه این مسئله شد و این موضوع را به خانواده‌اش اطلاع داد.



شرق‌آتلاین: دوک ادینبورگ، شاهزاده فیلیپ در ۹۹ سالگی درگذشت. کاخ باکنینگهام در بنیادهای خبر درگذشت همسر ملکه الیزابت دوم را تأیید کرده است. فیلیپ در سال‌های اخیر بارها به دلیل بیماری در بیمارستان بستری شده بود. او آخرین بار در ماه فوریه در بیمارستان بستری شده بود. او در سال ۱۹۴۷ با ملکه ازدواج و لقب دوک ادینبورگ را دریافت کرد.